

به نام خدا

هفتمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور، دوشنبه‌ششم اردیبهشت‌ماه، مطابق با سیزدهمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این وبینار، جناب آقای دکتر مهدوی‌زادگان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی خود را با موضوع «اهمیت امانت‌داری و رعایت امانت در روابط فردی» ارائه کرد.

دکتر مهدوی‌زادگان، سخن خود را با اشاره به این نکته آغاز کرد که موضوع امانت‌داری موضوعی ناشناخته نیست و امانت‌داری به عنوان یک اصل اخلاقی نزد مردم شناخته شده، اما در مقام تفصیل، این بحث چندان واکاوی نشده است. به همین جهت نیاز است از افق‌های وسیع‌تری به موضوع امانت‌داری توجه کنیم. برترین افق، افق قرآنی است و موضوع امانت‌داری در کلام الهی مورد توجه است.

در سوره احزاب در آیه ۷۲ آمده است: *إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا*. ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم اما این‌ها ابا کردند و از بر عهده گرفتن این امانت‌ترسیدند؛ این تأکید قرآن بر مقام و اهمیت امانت است؛ فقط انسان توانست تحمل کند.

در این جلسه به نظام مفهومی امانت‌داری می‌پردازیم و در جلسه بعدی به مصادیق امانت‌داری در حیات فردی و اجتماعی اشاره می‌کنیم.

امانت از امن و امان می‌آید. امن به معنای به آرامش و سکینهرسیدن، راحتی قلب و دور شدن از ترس. هنگامی که مفهوم ایمان را به کار می‌بریم بدین معناست که وقتی شخصی به یک باور حقانی می‌رسد به آرامش می‌رسد و ترسش از جهل و نادانی برطرف می‌شود. از این جهت رسیدن به حق، ایمان است. در مورد واژه مؤمن هم همین‌طور است. اولین اطلاق مفهوم مؤمن در مورد خود خداوند مبارک و تعالی است بدین معنا که خداوند در انسان‌ها ایجاد امنیت می‌کند. *هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ* اول مؤمن خود خداوند است. انسان هم که به ایمان و حقیقت می‌رسد مؤمن است در مقابل کافر یا منافق کسانی هستند که به سکونت و آرامش و حق نرسیده‌اند مثل این که وقتی کشتی طوفان‌زده به ساحل دریا می‌رسد احساس آرامش می‌کند.

بنابراین، خود واژه امن به معنای به آرامش رسیدن مشتقات زیادی دارد؛ ایمان، مؤمن بودن، مکان امن، امن بودن

همان گونه که بیان شد، راغب اصفهانی لغت امن را آرامش و سکونت معنا کرده است. وقتی انسان چیزی و جایی و کسی می رسد که احساس آرامش و سکونت می کند، به آن امن گفته می شود. وقتی انسان غرق شده در دریا به ساحل یا قایق می رسد احساس آرامش می کند، لذا آن ساحل یا قایق را امن گویند. از ترس راهزنان به مکانی که آرامش می دهد، پناه می بریم. به آن خانه، امن گفته می شود. وقتی به انسان قابل اعتمادی میرسی، احساس آرامش می کنیم و به انسان، آمین گفته می شود. پس وقتی مالی یا چیز دیگری را به شخصی می سپاریم که احساس آرامش داشته باشیم. به شی سپرده شده امانت گفته می شود. چون همراه با احساس آرامش و سکونت خاطر است. اما انتظاری که از سپردن امانت داریم دو امر است. یکی اینکه آن امانت سالم بماند و تخریب و تحریف و نقصانی پیدا نکند. دیگر اینکه در وقت درخواست عودت آن، هیچ معنی نباشد و به اهلش باز گردد. این دو امر همواره موجب نگرانی است. قرآن کریم این نگرانی را به حق می داند. زیرا دو خصلت در انسان وجود دارد که اگر انسان آن دو را مهار نکند، آن نگرانی محقق می شود. و آن دو وصف، جهالت و ظلم پیشگی انسان است. انسان بواسطه جهل، امانت را تخریب یا تحریف می کند. و دیگری، ظلوم بودن است. ظلم در امانت به این است که به اهل و صاحبش باز نگرداند. این دو وصف را در آیه شریفه " إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۗ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا " [سوره الأحزاب : ۷۲] آمده است. قرآن کریم این تخریب و تحریف در امانت را خیانت نامیده است و از مؤمنین می خواهد که در امانت خیانت نورزید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ " [سوره الأنفال : ۲۷]. لذا در جای دیگر می فرماید که خداوند امر کرده است که امانت ها را به اهلش باز ورداتید: " إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۗ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا " [سوره النساء : ۵۸]. حال این پرسش پیش می آید که مگر خداوند چیزی را به امانت داده است که از اهل کتاب و دیگران می خواهد به اهلش بازگرداند؟ می گوئیم، آری، قرآن کریم از سه چیز یاد کرده است که باید به اهلش باز گردد؛ کتاب و حکومت و نبوت: " وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ " [سوره الجاثیه : ۱۶].